

**دو سال گذشت، ترویجی‌ها، چکار کردید؟!!!!**  
Two years has passed by: What have we done as  
extensions?!

کیومرث زرافشانی، خدیجه مرادی

## خلاصه

از آغاز برگزاری اولین کنگره ترویج در دهه ۸۰ تاکنون، همایش‌ها، پانل‌ها، و سخنرانی‌های بی‌شماری برگزار شده و در هر یک از آن‌ها مقالات متعددی ارائه گردیده است؛ از یادگیری تجربی و کارآفرینی گفته شد تا اشتغال پایدار و تعاونی‌ها. اما همچنان آمارها از بیکاری فزاینده دانش‌آموختگان کشاورزی حکایت می‌کند. اکنون که کنگره چهارم در حال برگزاری است این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که چکار کردیم؟! آیا هم‌اکنون فرصت آن فراهم نشده که دست‌اندرکاران علم ترویج و آموزش کشاورزی کشور، از تجارب عملی خود بگویند؟ آیا زمان آن نرسیده که مدرسان با اعتماد به نفس بیشتر دانشجویان ترویج را ترغیب به فعالیت‌های عملی نمایند و کمتر تئوری بگویند و بیشتر عمل نمایند؟ آیا زمان آن نرسیده که مدرسین آستین یادگیری تجربی را بالا بزنند و همگام با دانشجویان پا به عرصه عمل بگذارند؟ این مقاله قصد دارد تجارب چندین ساله گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی را برای آنانی که شوری در سر و سوزی در دل دارند، بازگو کند. به این امید که نیروهای علاقمند و مشتاق ترویج، این تجارب را به عنوان الگو مد نظر قرار دهند و در آینده بتوان با جرأت و جسارت، ترویج را علم عمل نامید.

واژه‌های کلیدی: دانش آموخته، ترویج، یادگیری تجربی.

## Abstract

Since the first agricultural extension and education congress in the 80's, more emphasis has been paid to experiential learning, entrepreneurship, sustainable employment, and rural cooperatives. However, we are still faced with overarching of agricultural graduate unemployment. Now that we are in the process of the 4<sup>th</sup> Extension Congress, a question remains that what have we accomplish? Isn't it the time that we elaborate on our hands-on experiences? Isn't it the time to emphasis experiential learning rather than emphasizing pure theory? Perhaps it is the time for our agricultural faculty to step in and get engage in hands-on experiences with motivated students. Therefore, the purpose of this study is to share our experiences in college of agriculture at Razi University with those faculty members whom have the right insight and attitude towards experiential education.

**Key Words:** Agricultural graduate students, extension, experiential learning.

## مقدمه

نظام آموزش عالی کشاورزی با هدف ایجاد توانایی تفکر و مهارت حل مسأله در دانشجویان می بایست در کنار توجه به اصول کلی آموزش، اصول آموزش کشاورزی را نیز مدنظر قرار دهد. نگاهی به بنیان های آموزش کشاورزی از یک سو و اصول ترویج کشاورزی از دیگر سو این مسئله را آشکار می سازد که این دو مکتب نقاط مشترک بسیاری دارند. فیپس و همکاران (۲۰۰۸) و ون دن بن و هاوکینز (۱۹۸۸) از نظریه پردازان آموزش و ترویج کشاورزی هستند. بارها و بارها به کرات گفته شده است که یادگیری تجربی، قلب آموزش و ترویج کشاورزی است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ زرافشانی، ۲۰۰۶). در کشور ما نیز صاحب نظران ضمن تأکید بر یادگیری تجربی، یادگیری از طریق عمل را نبض آموزش و ترویج کشاورزی دانسته اند (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). اما در سال های اخیر دستاوردهای این محققان ندای دیگری را به گوش می رساند. به عبارت دیگر، اگرچه همگی بر این باورند که راهی بجز یادگیری تجربی در آموزش کشاورزی وجود ندارد، اما نوشته های آنان همچنان تکرار مبانی نظری این حوزه است. به راستی چه کرده ایم و یا چه باید کرد؟ سؤال اساسی این است که آیا درگیر نمودن دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی از طریق یادگیری تجربی نیازمند شرایط خاص و فوق العاده ای است؟ برای رسیدن به این هدف چه بهایی باید پرداخت؟ آنهایی که دلسوز این رشته هستند و به اصطلاح شوری در سر و سوزی در دل دارند، به درستی می دانند که دانش آموختگان این رشته از این موضوع گله مندند که نمی دانند چکاره اند و در نتیجه شاهد تغییر رشته این عزیزان در مقاطع تحصیلات تکمیلی هستیم. برخی از منتقدان یادگیری تجربی کلب (موقال و ظفر، ۲۰۱۱) بر این باورند که چرخه کلب می بایست بر اساس شرایط و امکاناتی به اجرا درآید که آموزشگران با آن سر و کار دارند. این بدان معناست که ما آموزشگران ترویج کشاورزی می توانیم بر مبنای مقتضیات شرایط موجود عمل کنیم. دیویی نیز همواره بر این موضوع تأکید داشته است که تجربه با هر مدل و قالبی که آموزشگر صلاح بداند می تواند در

تسهیل یادگیری نقش به سزایی داشته باشد (نیوکامب و همکاران، ۲۰۰۴)، تا آنجا که نظریه پردازانی همچون محسان و همکاران (۲۰۱۲) یادگیری از اجرا را مطرح ساخته اند. اکنون که دست ما آموزشگران کشاورزی در بومی سازی مدل های یادگیری تجربی باز است، وقت آن رسیده که دست از تکرار مکررات برداریم و خود و فراگیرانمان را وارد صحنه عمل کنیم. بنابراین در این مقاله سعی شده است که مراحل یادگیری تجربی که در دانشکده کشاورزی کرمانشاه طی سال های متمادی به اجرا درآمده است، به صورت گام به گام تشریح شود.

## نتایج، بحث و نتیجه گیری

### از کجا باید شروع کرد؟

شناسایی دانشجویان مستعد و پرتلاش به نظر نمی رسد کار مشکلی برای آموزشگر کشاورزی باشد. اصل یک ترویج کشاورزی به صراحت می گوید که اگر به دانشجویان فرصت کافی داده شود، همگی قادرند توان خود را به نمایش بگذارند (ون دن بن و هاوکینز ۱۹۸۸). پس از شناسایی افراد بالقوه، می بایست با مسئولین دانشکده کشاورزی وارد مذاکره شد. سوانسون و همکاران (۱۹۹۷) معتقدند، فن چانه زنی را باید در ترویجی ها جست. بر این اساس، با یک طرح پیشنهادی کاملاً توجیه پذیر مقامات اجرایی دانشکده کشاورزی را وادار به واگذاری قطعه ای زمین در قالب یک قرارداد که موقعیت مسئولین را خدشه دار نکند، می کنیم. در دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی این قرارداد بدین صورت است که ۳۰ درصد سود خالص از محل درآمد یک فعالیت کشاورزی به دانشکده می رسد. در مقابل، دانشکده نیز متعهد می شود که زمین، آب و ماشین آلات لازم را برای یک دوره زراعی را برای یک دوره زراعی در اختیار متقاضیان قرار دهد. در این جا نقش ما مدرسان کشاورزی، بسیار کلیدی خواهد بود. به عنوان مثال، طی چند جلسه توجیهی دانشجویان را به مطالعه و جست و جو در زمینه کشت موردنظر تشویق می کنیم. به علاوه، در این جلسات می توان یک سرگروه که مورد پذیرش سایر اعضا باشد نیز انتخاب نمود. اینجاست که یکی از بنیان

های آموزش کشاورزی که همانا تقویت روحیه جمع گرایی و ایجاد مهارت های رهبری است، محقق می شود.

## نقش مدرسان ترویج و آموزش کشاورزی چیست؟

آموزشگران یکی از مهم ترین اجزاء نظام آموزش عالی کشاورزی محسوب می شوند که در یادگیری تجربی نقش مهمی بر عهده دارند. این نقش به نگرش و اعتقادات آموزشگران نسبت به یادگیری تجربی بستگی دارد. اگر هدف کسب امتیاز پژوهشی یا بسترسازی برای احراز پست های اجرایی در دانشکده باشد، شایسته آن است که وارد این عرصه نشویم و میدان را برای آنانی که به رسالت نظام آموزش عالی کشاورزی باور دارند، باز بگذاریم. ما معتقدیم که در اینجا مدرسان می بایست نقشی فراتر از تسهیل گری ایفا نمایند. این بدان علت است که تسهیل گری تعهد حرفه ای برای آموزشگر ایجاد نمی کند، در حالی که قدم نهادن به عرصه یادگیری تجربی نیازمند تعهدی نتیجه گرا می باشد (رایبسون و تورس، ۲۰۰۷). آموزشگران می بایست از نقش خود در مشاوره و هدایت شغلی دانشجویان آگاه باشند، چرا که یکی از هدف های دانشجویان، احراز فرصت های شغلی در بخش کشاورزی است (فایس و همکاران، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، نقش کلیدی آموزشگران ترویج و آموزش کشاورزی نقشی حمایتی خواهد بود که در قالب مواردی نظیر کمک های مالی، رایزنی با مسئولین دانشکده، رفع مانع ها و مشکلات پیش روی دانشجویان از طریق مکاتبه با مسئولین و بازاریابی محصولات تولیدی نمود پیدا می کند.

## دانشجویان از تجارب بدست آمده چه می گویند؟

یکی از مواردی که دانشجویان به عنوان اولین تجربه کاری از آن یاد کرده اند، سخت و طاقت فرسا بودن کسب تجارب عملی است. در این رابطه یکی از دانشجویان ترم چهارم ترویج و آموزش کشاورزی چنین می گوید: "شروع کار خیلی خسته کننده و کشنده بود، از یک طرف فشارهای جانبی و روحی، تمسخر دوستان و منفی بافی دانشجویان ترم بالایی که

مثلاً خودشان را با تجربه تر و علاقمند تر از ما می دانستند، از طرف دیگر، فشارهای مالی و کمبود امکانات که ما را مجبور می کرد ساعت های طولانی حتی شبانه روز کار کنیم، درگیر کلاس ها و امتحانات و طولانی شدن مدت اقامت در خوابگاه که چندین ماه بود به شهرستان نرفته بودیم و از خانواده هایمان دور بودیم. همه اینها باعث شده بود که شروع سخت ولی خاطره انگیزی داشته باشیم". برخی دیگر از دانشجویان به فشارهای روانی - اجتماعی چنین تجاربی اشاره داشتند. در این راستا یکی دیگر از دانشجویان اظهار داشت "شروع کار برای من با فشارهای زیادی از سوی خانواده همراه بود. آن ها بیشتر مرا می ترسانند ولی من به آخر کار فکر نمی کردم، دوست داشتم توی راهی که انتخاب کرده ام جلو بروم و دستم توی جیب خودم باشد، این برایم مهم بود". دانشجوی دیگری در بیان تجارب خود می گوید: "من چون از بچگی عادت به کار کردن داشتم، بنبه کار را داشتم، وقتی تو جمع دانشجویان و بچه های گروه کارهای سخت انجام می دادم از دو جهت برام لذت بخش بود، یکی اینکه کارهای فنی زیادی یاد گرفتم و دوم اینکه از طرف بچه های گروه مورد توجه قرار می گرفتم. طرز نگرش آن ها برای من که بچه روستا بودم و چنین ارتباطاتی را قبلاً نداشتم، جالب بود. هم اطلاعات و دانستنی های زیادی از آن ها یاد گرفتم و هم نگرش در مورد خانم ها و توانمندی هایشان کلاً تغییر کرد". سرگروه دانشجویان ضمن تأکید بر افزایش اعتماد به نفس اذعان می دارد "از اینکه به عنوان رهبر گروه انتخاب شده بودم و در بین بچه های گروه پایگاه اجتماعی خاصی داشتم، اعتماد به نفس پیدا می کردم. کارها را با برنامه ریزی پیش می بردم. به تدریج برای سایر دانشجویان دانشکده شناخته شدم و این احساس خوبی به من می داد و به همین دلیل به راحتی وارد مراحل سخت کاری می شدم و خودم را درگیر کارها می کردم. همیشه یک حسی داشتم که به من می گفت کارهای سخت تری هم هست که کارهای ما در برابر آن چیزی نیست، پس ما می توانیم این کار را انجام دهیم. در واقع طوری شده بود که خودم به بچه های دیگر هم روحیه و اعتماد به نفس می دادم". با نگاهی کلی به تجارب یاد شده این نتیجه استنباط می

شود که تغییرات مثبتی در دانش، نگرش، مهارت و اعتماد به نفس دانشجویان ایجاد شده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰).

### پیشنهاد ها

ایجاد توانمندی های لازم در راستای اشتغال و کارآفرینی دانش آموختگان بخش کشاورزی یکی از مهم ترین رسالت های نظام آموزش عالی به شمار می رود (فیبس و همکاران، ۲۰۰۸). این در حالی است که آمارها از بالابودن نرخ بیکاری دانش آموختگان رشته کشاورزی حکایت می کند. بدون شک، کاهش نرخ بیکاری دانش آموختگان جویای کار رشته کشاورزی، مستلزم تغییر اساسی در نگرش دانشجویان است. این تغییر نگرش ابتدا باید از آموزشگران نظام آموزش عالی کشاورزی آغاز شود؛ چرا که آنان قادر خواهند بود انگیزه های کافی را به دانشجویان القاء نمایند و نگرش آن ها را نسبت به رشته تحصیلی خود تغییر دهند. در عمل، تغییر نگرش از سوی مدرسین نیازمند تشکیل یک مثلث شامل نگرش تجربه محور (عمل گرا) نسبت به آموزش کشاورزی، آشنایی با پداگوژی آموزش تجربی کشاورزی، تسهیم و به اشتراک گذاشتن تجارب با دانشجویان می باشد. لذا به نظر می رسد به منظور تحقق اصول یادگیری تجربی در نظام آموزش کشاورزی، سایر دانشکده های کشاورزی کشور نیز از الگوی فعالیت های دانشجویی در دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی بازدید بعمل آورند. بدون تردید، پس از مشاهده توانمندی های دانشجویان تغییر نگرش مذکور در آنان ایجاد خواهد شد و اطمینان حاصل خواهند کرد که دانشجویان ترویج در کنار درس های تئوری، قادرند مزارع کشاورزی را نیز مدیریت نمایند. بدیهی است چنین دانشجویانی، در آینده دانش آموختگانی خواهند بود با صلاحیت و خودکارآمدی که قادرند فراز و نشیب های راه اندازی کسب و کارهای مرتبط با رشته کشاورزی را به آسانی پشت سر بگذرانند. از این رو، به جرأت می توان گفت، راه حل معضل بیکاری دانش آموختگان کشاورزی، توجه به یادگیری تجربی در نظام آموزش عالی کشاورزی است.

## منابع

۱. حسینی، سید محمود، آذر هاشمی و سید یوسف حجازی (۱۳۹۰). سازوکارهای کاربرد نظام یادگیری ترکیبی در دانشکده های کشاورزی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته های کشاورزی و منابع طبیعی استان خوزستان. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۶، ۱۰۳-۹۲.
۲. حسینی، سید محمود، سید جمال فرج اله حسینی و محمدرضا سلیمانپور (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده های کشاورزی استان تهران. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۵، شماره ۲، ۱۱۱-۱۰۱.
۳. رستمی، فرحناز، شهر گراوندی و کیومرث زرافشانی (۱۳۹۰). پدیدارشناسی تجربیات دانشجویان در تأسیس کسب و کار (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه). توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۸۷-۱۰۵.
۴. غلامرضایی، سعید، حمید موحد محمدی، علی اسدی و سید محمود حسینی (۱۳۸۸). سازوکارهای تقویت کارکرد خدمات برون رسانی آموزش عالی کشاورزی ایران در عرصه ترویج کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۵، شماره ۲، ۵۷-۴۵.
5. Mohsan, Faizan., Muhammad Musarrat, Nawaz., M. Sarfraz Khan., & Zeeshan, Shaukat (2012). Action Learning: A Positive Predictor of Motivation and Commitment for Bankers in Pakistan. *International Journal of Business and Management* Vol. 7, No. 2, 252-259.
6. Mughal, F., & Zafar, A. (2011). Experiential learning from a constructivist perspective. *Reconceptualizing the kolbian cycle*. *International Journal of Learning Development*, Vol. 1, No. 2, 27-37.
7. Newcomb, L. H., McCracken, David J., Warmbrod, Robert J., & Whittington, Susie M. (2004). *Methods of Teaching Agriculture*. Third Edition, Pearson Practice Hall, New Jersey.
8. Phipps, Liyod, J., Osborne, Edward, W., Dyer, James, E., & Ball, Anna (2008). *Handbook on Agricultural Education in Public Schools Sixth Edition*. Thomson Publisher, USA.
9. Robinson, Shane J., & Torres, Robert M. (2007). A case study for service – learning: What students learn when given the opportunity. *NACTA Conference*, Vol. 51, No. 4.
10. Swanson, Burton E., Bentz, Robert P., & Sofranko, Andrew, J. (1997) *Improving Agricultural Extension*. FAO of The United Nations, Rome.



11. Van den Ban, A. W., & Hawkins, H. S. (1988). Agricultural Extension. Longman Science & Technical Publication, USA.
12. Zarafshani, Kumars (2006). A model for developing future farmers of Iran: A lease and learn approach. NACTA Conference, Vol. 50, No. 2.